



برلین - ۲۵ جنوری ۲۰۱۹



خلیل الله معروفی

لشکرکشی "افغان جرمن" در برابر "ادب دری"

(قسمت پنجم)



"مدتی این مثنوی تأخیر شد؛ اما نه طبق تعلیل خداوندگار بلخ، حضرت مولانا، تا "خون شیر شود"؛ نی هرگز. علت تأخیر در کار این گفتار تنها این بوده است، تا "نورچشمان" پورتال "افغان جرمن آنلاین" گفته‌هایم را صحیح هضم کنند؛ نشود، که مزاج مبارک و باریکتر از موی شان خداناکرده برهم بخورد. ولی "دا بُله خوشالی!!!"

وقتی به تاریخ ۱۴ جنوری ۲۰۱۹ با خواندن عنوان کلیپ "بلاخره اعتراف واقعیانه..." در تالاق سر "طاس و از پاکی خلاص" پورتال "افغان جرمن" چشم‌انم روشن گشت، بر همه "بیسوادان تاریخ" رحمت فرستادم. آخر بیسوادی و بی بند و باری و "بی‌انضباطی" هم از خود حدّ و اندازه دارد. مگر در تمام تیم "افغان جرمن آنلاین"، که گویا مشغول کشیدن "قاموس کبیر" به "زبان دری" برای افغانستان است و علاوه بر آن، جهت دفاع از لقبِ فاخر و مُفَخَّم "استاد ادب دری" دست و آستین خود را تا ارنج و مرقق بر زده است، حتی یک نفر باسواد هم پیدا نمی‌شود، که دو لغت ساده و پیاده "بلاخره" و "واقعینانه" را درست نوشته بتواند؟؟؟ در یک عبارت بارنامه‌ی این پورتال، که متشکل از سه کلمه است، وقتی دوتای آن غلط نوشته شده اند - یعنی حدوداً "هفتاد درصد غلط" - شما چنین وبسایت را چه نام می‌دهید؟؟؟ و من می‌گویم کاش، که کلمه "اعتراف" را هم غلط مینوشتند، تا نصاب پوره میگشت و حتی جوالبهای عزیز ما هم میگفتند: "پک شی نسوار مَیّه"

این کلیپ با املاي بی وقارش چار روز تمام بر تارکَ مبارک "افغان جرمن آنلاین" در "تلاؤ و پرتوافشانی" بود و از هیچ جایی صدائی بلند نشد، که از برای خدا و از برای "افتو روز قیامت" آبروی افغانان سربلند و بافرهنگ را پیش همزبانان ایرانی ما نریزانی!!! اما سخنی دگر:

میدانیم و همه خوب میدانیم، که هر وبسایت خوانندگان خاصّ خود را دارد و به ندرت اتفاق می‌افتد، که خواننده ای از چندین صفحه انترنتی عیادت کند. از نوک خامه من مقالات بی اندازه زیاد در "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، به یادگار مانده است. آرزوی آنی من فقط این بوده و هست، که حدّ اکثر گرامیان وطندارم مقالات و نوشته‌های مرا

بخوانند و از خوب و بدش انتباه بگیرند. از همین خاطر بر آن شدم تا تعدادی از مقالاتم را از "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به صفحات "آریانا افغانستان آنلاین" اقتباساً بکشانم.

قسمی، که خواننده مطلع از موضوع میداند، به تاریخ ۱۵ نومبر پارسال مقاله ای از مقالات سابقم را در وبسایت "آریانا افغانستان آنلاین" منتشر ساخته و به اصطلاح فیشنی مأخوذ از فرنگی، "پوست کردم". این مقاله ولی مقاله نبود، بلکه "بلای آسمانی" بود و باعث بلوای "افغان جرمن" گشت. گرچه مقاله را در دسترس خوانندگان ارجمند "آریانا افغانستان آنلاین" و اشخاص بافهم و ذراک و آگاه از مسائل ادبی گذاشته بودم، ولی دیدیم، که آن مثل قدیم کابلی باز مصداق خود را تسجیل کرد، که:

"از خیرات کرم، کدوام او خورد." (از خیرات کرم، کدو هم آب خورد).

اگر پورتال "افغان جرمن آنلاین" و مقتدیان "سراپا گوش" آن، بلوا و مارکه (معرکه) برپا نمیکردند، "خیر خیریت" میبود و "معروفی" مجبور نمیگشت، که این گفتار سلسله وار "تازیانه دار" را سر دست گیرد. میبینم، که باز هم یک مثل دیگر و قدیمی کابلی مصداق خود را ثابت میسازد:

چوپانی به رسم معمول چوپانان، نانی را به کمر زد و رمه اش را به چرا بُرد. ازین میان کدام بُز بی انضباط دستبُردی به همان نان زد و وقتی چوپان متوجه این تطاول گشت، بُز را به قرار واقع لت و کوب کرد و به گفته شیرین عامیانه از "الله و ای" انداخت. وقتی داستان آن مقاله و بعداً عکس العمل "افغان جرمن" را در مقابل آن میبینم، از دل و جان معتقد به همین مثل "بُز و چوپان" می‌شوم. و عین قضیه به عبارات و الفاظ و فارمولبندیِ دگر:

استاد محمد اسحاق نگارگر ضمن مقاله مؤرخ ۱۱ جنوری ۲۰۱۹ خود در وبسایت "آریانا افغانستان آنلاین" زیر عنوان "در افغانستان دیگر شاهد عادل وجود ندارد" شعر عالیستانی را از حضرت ابوالمعانی "بیدل" این طور نقل کرده است:

هیچ سودی نکند، حجت و برهان و دلیل

تا ز "اربابِ عمائم" رگ گردن باقی ست

این بیت سخنگوی و شلاق نواز در قضیه مقاله من و پورتال "افغان جرمن" هم کاملاً صدق میکند؛ بدین ترتیب: اگر منسوبان "سخن شناس و بانصاف" پورتال "افغان جرمن"، در برابر مقاله "آدب - آدب دری - استاد آدب دری" رگهای گردن خود را نمی پُنداندند و به جفنگ گوئی و یاهو سرائی نمایان نمی پرداختند، سر "خلیل معروفی" را مار نکنده بود، که بیاید و این گفتار تازیانه وار را پیش بکشد. و برای چندمین و شاید آخرین بار تکرار میکنم: اگر متعلقان "افغان جرمن" ذره ای از عقل در سر و انصاف در بر میداشتند و در مقابل آن مقاله برخوردی آدم دستور کرده و گفته هایم را با دلیل و برهان و حجت منطقی و استدلال رد میکردند، هیچ مجبوریتی نداشتم، که دست به قلم بُرده و جهت تأدیب ایشان، این مقالات قمچین نواز را بنویسم؛ که کابلیان گفته اند: «سزای قروت، او گرم!!!»

منسوبان پورتال "افغان جرمن آنلاین" به عوض توسل به "عقل"، به "نقل" پناه بردند و گفته های این و آن را پیش کشیدند. و کاش چنین پیشکشها با عقل و منطق همونوا میبودند؛ چون "نقل" تنها وقتی استوار و مدار اعتبار است، که با "عقل" سازگار باشد؛ در غیر آن قصه اش را باد میبرد.

میبینم، که مجریان و منسوبان ناعاقبت اندیش پورتال "افغان جرمن" مثنی زدند و اینک به لگدی گرفتار گشتند؛ و آخر کار هیچ معلوم نیست و شاید این سلسله تا نهایت تلخش پیش برود و سرانجام برویم به نکته موعود:

در صفحه آخر قسمت چارم تبصره بر نوشته "اعلامیه مانند" پورتال "افغان جرمن آنلاین" را سر دست گرفته و اندکی در موردش نوشتیم. نوشتیم:

«در قسمت بعدی بر نوشته بیحد سست و بی پایه پورتال "افغان جرمن" زیر عنوان "آیا جناب مرحوم هاشمیان در بخشیدن القاب ...» به تفصیل تبصره خواهم کرد. دم نقد همین قدر باید گفته شود، که این مقاله، که از طرف خود "اداره" پورتال "افغان جرمن آنلاین" پوست شده، آن قدر بیقدر و سست بنیاد است، که بر فرق و طاق جبین خود این جمله مغلوط و مبتذل و بی لزوم و معمول "افغان جرمن" را حک کرده است: «مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد» در قسمت پنجم این سلسله گفتار ... سخن را از همین نقطه نیرنگی آغاز خواهم کرد» اینک دنباله موضوع:

تبصره بر جمله مبتذل و مغلوط «مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد،» را میگذارم به آخر کار این قسمت و گفته‌ها را از خود نوشته شروع میکنم:

اداره چپان "افغان جرمن"، که از هیئت سلسله حاضر و نوشته حقیبنانه جناب ملک الشعراء استاد محمد نسیم "اسیر"، سر را از پای گم کرده بودند، روز ۲۹ نومبر ۲۰۱۸ مقاله اعلامیه مانند خود را زیر عنوان "آیا جناب مرحوم هاشمیان در بخشیدن القاب به هموطنان خود "لک بخشی" کرده بودند؟» نشر کرد. پیش از تبصره بر مواد مندرجه این نوشته سراپا غلط، مثل گویای کابلی را عرضه میکنم، که:

"شتره گفتن گردنت کج است؛ گفت: کجایم راست است؟؟؟"

(شتر را گفتند، گردنت کج است؛ گفت: کجایم راست است؟؟؟)

گرچه این نوشته "شترمانند"، سر تا پای کج و معوج و نادرست و غلط است، مگر میکوشم بر پاره ای ازین همه کجیها و إوجاجها و اغلاط، اشاراتی کوتاه کنم. از عنوان شروع میکنم؛ که کار و عملی را خلاف منطق، از طرف یک "مُرده" نشان میدهد:

– وقتی "مرحوم هاشمیان" گوئیم، معنایش این است، که "هاشمیان" زنده نیست و در بستر خاک آرمیده است. اما متصدیان هوشمند "افغان جرمن" عملی و کاری و فعالیتی را به یک "مُرده" نسبت میدهند – صد آفرین و احسنت و مرحبا و حبذا بدین منطق درخشان و به فرموده عوام کابلی: "آما و پشت دست!!!"
چه میشد، که عنوان را بدون ذکر کلمه تشریفاتی "مرحوم" می‌آراستید، تا لاقلاً ارتباط منطقی کلمات برقرار میشد و منطق سخن زیر پای نمیگشت؟ مثلاً مینوشتید:

"آیا استاد بزرگوار داکتر صاحب هاشمیان ... "لک بخشی" ...؟"

توضیح کلمه "مرحوم":

"مرحوم" کلمه عربی و اسم مفعول از مصدر "رحم و رحمت" و از نگاه صرفی به معنای "رحمت کرده شده" یا "مورد رحم قرار گرفته" است. این لغت از نگاه صرف عربی برای زنده و مرده یکسان استعمال شده میتواند، ولی از نظر لغوی و بالخاصه از رهگذر "معنی شناسی" و تداول استعمال، آن را محض برای مردگان و رفتگان به کار میبندیم. پس وقتی کسی را با صفت "مرحوم" متصف میسازیم، معنای بلافصلش این است، که او دیگر زنده نیست و در زیر زمین آرمیده است؛ عیناً به مانند القاب "شهید" و "فقید" و "خدایبامر ز".
ازین اشتباه منطقی اداره چپان "افغان جرمن"، که بگذریم:

– اداره "افغان جرمن آنلاین" اولین جمله این اعلامیه را این طور می‌آراید:

«طرز العمل یا به عبارت دیگر اعمال نامه هرکس معرف شخصیت اوست.»

اداره "افغان جرمن" ضمن این جمله ترکیب "طرز العمل" را مُعادل و مُساوی با "اعمالنامه" قرار میدهد. ما شاء الله بدین فهم لغوی، که دو لغت مفهوم و قابل درک ولی کاملاً متفاوت را این طور تشریح میکند:

– "طرز العمل" در معنای "شیوه کار" است و با "اعمالنامه" از هیچ نگاه ارتباط ندارد. "اعمالنامه" اضافهٔ مقلوب است از "نامه اعمال" و به جمیع اعمال و کارهایی اطلاق میشود، که از طرف کسی سر زده است. کسی، که دو لغت معلوم الحال و معلوم المفهوم و اظهر من الشمس را این طور غلط معنی کند، چه گونه به خود صلاحیت نوشتن "قاموس دری" را میدهد؛ آن هم "قاموس کبیر" و بالاتر از آن – "قاموس کبیر دری برای افغانستان"؛ اگر این توجیه لغوی کفر نیست، پس چیست؟؟؟ این گونه اغلاط صریح را در سراسر این نوشته کفرآمیز و به گفته شیرین حضرت حافظ – "سخت سُست بنیاد" – هرگز نمیتوان انکار کرد. اغلاط ذهنی و املائی در این نوشته آن قدر زیاد است، که شمردن همه حدیث مشهور "مثنوی هفتاد و دو من کاغذ" را به یاد خواهد داد. درین نوشته به همین چند نمونه اکتفاء میکنم و میروم به ردّ ادعاهای غلط اعلامیه "افغان جرمن آنلاین". بارزترین ادعای غلط درین اعلامیه این است، که گویا استاد هاشمیان و پورتال "افغان جرمن" بودند، که لقب "ملک الشعرانی" را به استاد محمد نسیم "اسیر" اعطاء کرده اند. گرچه بسیار شایسته و لازم بود، اگر جناب "استاد اسیر" خود و شخصاً در زمینه معلومات میدادند و ادعای غلط "افغان جرمن" را باطل میساختند. اما حالا، که ایشان در زمینه خاموشی مطلق اختیار فرموده اند، من در زمینه روشنی می‌اندازم. آنچه را پیش میکشتم، هرگز هوائی و خیالی و ذهنی نیست، بلکه مبتنی ست، بر فکتها و واقعیتای عینی و ثبت شدهٔ همان زمان، که همین اکنون هم در دسترس همه و عامه قرار دارد. جویندهٔ حقایق محض زحمتی را به خود بدهد و صفحات ماه دسمبر ۲۰۱۲ و اوائل ۲۰۱۳ و بعد ماه آگست ۲۰۱۳ را در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" از نظر مبارک خود بگذراند. ضمن این نوشته میکوشم بر زوایا و گوشه‌هایی ازین رویداد ادبی – فرهنگی، اندکی روشنی بیندازم:

استاد هاشمیان طی مقاله «نسیم "اسیر" الهی در قیامت در جنت "آزاد" و آسوده باشی» مؤرخ ۱۹ دسمبر ۲۰۱۲ خود در "افغان جرمن آنلاین" ضمن تعریف و توصیف فراوان از اشعار استاد اسیر، چنین نوشت:

«... این شاگرد موسپید زبان و ادب دری چهار شاعر عالیجناب را به اساس آثار و کبر سن شان مستحق منصب فخیم ملک الشعرانی در مهاجرت می‌شناسم:

جناب محترم استاد محمد اسحق نگارگر مقیم انگلستان – جناب استاد عبدالصمد و هابزاده (فریار) مقیم آلمان – جناب محترم استاد محمد نسیم اسیر مقیم آلمان – جناب محترم استاد واصف باختری مقیم کلیفورنیا»

و بعداً مینویسد:

«پیشنهاد من اینست که شعراء، ادبا، نویسندگان و اهل خبره از جمله چهار شاعر عالی مقام فوق الذکر یک نفر را بحیث ملک الشعراء زبان و ادب دری در مهاجرت انتخاب فرمایند. البته هموطنان محترم میتوانند یک یا چند کاندید دیگر را نیز پیشنهاد کنند....» (آرشیف مقالات استاد هاشمیان در "افغان جرمن آنلاین" – مقاله شماره ۳۱)

ضمن مقاله مؤرخ ۲۶ دسمبر ۲۰۱۲ خود معنون به «تنها استاد سخن و فخر الشعراء استاد محمد نسیم "اسیر" شایسته مقام ملک الشعرانی هستند»، دو نفر از شاعران پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"؛ یعنی جناب "الحاج خلیل

الله ناظم باختری" و این جانب "خلیل الله معروفی" مشترکاً جناب استاد اسیر را به حیث ملک الشعراء جدید افغانان در هجرت، بدین مضمون به حیث کاندید پیشنهاد کردیم:

«... چندی قبل استاد "هاتف"، که امیر شاعران افغان در غربت شناخته شده بود، رخ در نقاب خاک کشید؛ چنان، که تعدادی از شعراء گرامی پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بدین مناسبت اشعار رثائیه سروده و در پورتال منتشر کردند. اینک، که در بین شعراء افغان کرسی "ملک الشعراء" خالی ست، شایسته است، که شاعر باصلاحیت و سزاواری بدین سمت گماشته و برافراشته شود.

همان روزی، که خبر درگذشت استاد هاتف شایع گشت (اواخر نومبر ۲۰۱۲)، با جناب الحاج خلیل الله ناظم باختری در تماس تلفونی آمده و باهم در زمینه مشورت کردیم. خوشبختانه که هر دو بدون اینکه یکی از دیگری تأثیر پذیرفته باشد، متفقاً ابراز داشتیم، که بعد از استاد هاتف، سمت ملک الشعراء تنها و تنها زبیده مقام استاد سخن و فخر الشعراء، استاد محمد نسیم "اسیر" است. میخواستیم بلافاصله موضوع را به میدان اندازیم - چنان که ناظم صاحب باختری ضمن نشیبه رثائیه شان از استاد "هاتف"، دو بیت را به منظور همین پیشنهاد سروده بودند. من - خلیل الله معروفی - مگر بنا بر وقوف بر آداب و باریک بینیهای مردم کابل، به جناب شان اظهار کردم تا آن دو بیت را از رثائیه بردارند و موضوع را همین حالا بمیدان نیندازند. ایشان این خواهش را پذیرفتند و قرار را بدان نهادیم تا ضمن معروضه ای - که اینک در وجود معروضه حاضر تجلی مییابد - جناب استاد محمد نسیم "اسیر" را مشترکاً بحیث "ملک الشعراء" پیشنهاد نمائیم.

این پیشنهاد کاملاً آگاهانه، از طرف دو فردی صورت میگیرد، که از شعر اصیل دری و شعر کهن و عروضی به اندازه کافی بهره و مایه دارند. ما هر دو یقین داریم، که این پیشنهاد مورد حمایت دیگر شعراء گرانقدر همکار پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و بسا شاعران و ادبوسان عزیز افغان نیز مییابد!!!

شوکت و عظمت مقام شعری استاد "اسیر" بی نیاز از تعریف است. البته این مسکین ضمن سلسله «خدنگی از فریاد اسیر» بر کتاب قطور "فریاد اسیر"، که در واقع قسمت اول دیوان استاد است، به اندازه کافی سخن گفته است (این مقاله هفت بخشه مفصل در آرشیف خلیل الله معروفی و آرشیف ادبی - فرهنگی پورتال قابل دسترس است). بازهم اگر لازم افتد در زمینه به تشریح بیشتر خواهم پرداخت.

ناظم صاحب باختری و این قلم جداً بدین عقیده ایم، که غیر از استاد "اسیر" هیچ شاعر دیگر افغان شایستگی مقام "ملک الشعراء" را ندارد و جایی، که استاد "اسیر" مطرح گردند، همه شاعران دیگر افغان را صبر است. این معروضه را به پیشگاه شاعران و اشخاص باصلاحیت افغان عرضه نموده و اتمام حجت کردیم. امیدواریم، که در رسته اول، شاعران گرانقدر پورتال و خود اداره پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بحیث یک مرجع استوار ادبی، در زمینه موفق بگیرند.»

بعد ازین پیشنهاد، پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" موضوع را به پیشگاه هموطنان عزیزی، که در عالم هجرت از کران تا کران جهان بسر میبرند، جهت رأگیری مستقیم به جریان انداخت. همان بود، که سیل پیغامها از سراسر جهان به آدرس پورتال سرازیر شد و پورتال از زمره در حدود سی پیام را، که حیثیت نامه را داشتند منتشر ساخت. ناگفته نماند، که به تاسی و پیروی از "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، پورتال "افغان جرمن آنلاین" نیز

موضوع را در سراچه نظرگیری خود به جریان انداخت. در آن زمان جناب ولی احمد نوری، که یکی از متصدیان باصلاحیت "افغان جرمن آنلاین" بود، به پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" چنین پیشنهاد کرده بود:

«حالا، که هردو پورتال عین موضوع را تعقیب میکنند، بهتر است، که در زمینه تشریح مساعی نمایند...» (مطلب ایشان در همین مفهوم پیش کشیده شده بود، ولو با فارمولبندی دیگر)

پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، که خود مبتکر مسأله بود، این تشریح مساعی را رد کرد!!! لنگ همان مقاله را ذیلاً در اختیار میگذارم، تا خوانندگان عزیز و بی اطلاع از سوابق مسأله، خود قضاوت کرده بتوانند. از طرف دیگر تمام کوانف موضوع روزمره در صفحات پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" منعکس میگشت و آرشیفهای همان وقت همه موجود و حاضر و در اختیار همگان قرار دارند. حقیقیان و حقیقت خواهان بر رؤیت لنگ آتی مقاله، از تمام کوانف باخبر خواهند گشت:

<http://afgazad.com/Adaby-۱۲/۱۲۲۶۱۲-KM-Tanhaa-Ostaad-Aseer-Shaayesta-ye-Magaam-e-Malek-o-Shoaraayee-Hastand.pdf>

بعد از یک ماه نظرگیری سرانجام اداره "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" همان پروسه رأگیری یکماهه را مثل دانسته و نظر به آن استاد "اسیر" را به حیث "ملک الشعراى افغانان در هجرت" اعلان کرد!!!

حالا وقت آن رسیده است، که صحنه اهدای لقب "ملک الشعراى" به "استاد اسیر" را نیز پیش بکشیم، تا همه آگاه گردند و ذره ای از شک و شبهه هم از میان برداشته شود. بدین مناسبت مقاله "سه احتفال فرخنده" را پیش کشیده و لنگ آن را در اختیار خوانندگان عزیز میگذارم. علاقه مندان فقط دکه و کلیکی نثار لنگ ذیل کنند. از خلال این لنگ همه چیز و تمام صحنه به نکوئی مجسم میگردد؛ و مجسم میگردد، که ادعاهای پورتال "افغان جرمن" و اعوان و انصار بی خبر و غرضی و مرضی آن تا چه حد بی اساس است و دروغ محض. لنگ مقاله "سه احتفال فرخنده"، که صحنه تمثیل آن، در شب ۱۷ آگست سال ۲۰۱۳ در شهر ویزبادن - در زیر بناگوش متروپول فرانکفورت المان دائر گشته بود:

<http://afgazad.com/Adaby-۱۳/۰۸۱۸۱۳-MK-Sse-Ehtefaal-e-Farkhonda.pdf>

بعد از باطل ساختن تمام ادعاهای غلط "افغان جرمن" مبنی بر اعطای لقب "ملک الشعراى" به استاد "اسیر"، از طرف داکتر هاشمیان و پورتال "افغان جرمن"، اینک وقت آن رسیده است، تا بر همان جمله مبتدل و مغلوط تالاق سر هر مقاله "افغان جرمن آنلاین" مکئی صورت بگیرد. جمله ازین قرار است:

«مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد»

این جمله را مغلوط و مبتدل و غیر مسؤولانه خواندم. اینک شرح هرکدام:

- این جمله "مغلوط" است، زیرا در آن دو کلمه اساسی غلط نوشته شده است؛ بدین ترتیب:

نظر به تحقیقات جدید زبانشناسان اعراب، هیئت درست مکتوب این کلمه فقط و فقط "مسئولیت" است و بس. بدین معنی، که همزه ماقبل حرف "واو" باید بر کرسی یک "واو" و به شکل "و" نوشته شود. در قدیم، که علم الاصوات و فونتیکی جدید به میان نیامده بود، حتی خود اعراب آن را به صورت "مسئول" مینوشتند و به پیروی محض از آن، دری/فارسی - زبانان هم آن را قبول کرده و همان شیوه تحریر را مراعات میکردند. اینک، که تحقیقات جدید مطابق به اساسات زبانشناسی عصری، املاى این لغت را در هیکل "مسئولیت" محقق ساخته است، راه دیگری نداریم، مگر

در پیشگاه آن سر تعظیم خم کنیم. اگر شکل قدیم تحریر این لغت؛ یعنی "مسئول" را امروز هم مُراعات کنیم، گناه عظیم نخواهد بود. مگر گناه، سخت عظیم میشود، اگر هر دو شیوه را باهم گد و ود کرده و نحوه مغلوط و بدقواره "مسئولیت" را پیش بکشیم. درین شیوه - که شیوه معمول "افغان جرمن آنلاین" است - یک "او" کاملاً اضافی و در حدّ لهو و لعب است. شیوه تحریر "افغان جرمن آنلاین" ازین کلمه، فقط و فقط به درد زباله دانی و صندوق کثافات میخورد و بس!!!

- حرف ضافه "به" وقتی بر کلمه "دوش" وارد گردد، باید حتماً و بدون مُجامله، جدا از "دوش" نوشته شود. در غیر آن مُلابسه و مُغالطه ای با کلمه "بدوش" به میان می آید، که امر حاضر از "دوشیدن" است. اصل "وحدت قرائت" از هر کلمه و بالخاصه کلمه مرکب، از اساسات عدول ناپذیر املاء و تحریر در هر زبان و از جمله، "زبان دری"، شمرده میشود!!!

- جمله «مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین ...» را، که ورد زبان "افغان جرمن" است، مبتذل خواندم، چه از سر تا پایش "ابتذال" و "کهنگی" و "فرسودگی" میبارد و نیازی دیده نمیشود تا در زمینه توضیح داده شود.
- این جمله را "غیر مسؤولانه" خواندم؛ بدین خاطر:

آیا پورتال "افغان جرمن آنلاین" یک وبسایت رسالتمند و متعهد است، یا این، که وظیفه "جوالی" و "پوسته چی" را به عهده دارد؟؟؟ اگر یک وبسایت رسالتمند و متعهد است، باید مسؤولیت نشر مقالات را به عهده بگیرد و از عهده تصحیح املائی و تایپی مقالات و طرد اشتباهات منطقی در ترکیب کلمات در جملات برآمده بتواند. در غیر آن "املای یکدست و متحد" ممکن نمیگردد. اما نشر مقالات در پورتال "افغان جرمن آنلاین" و املای کاملاً "هروره" و "هر سر و بل خیال" آن، حدیث "شهر خربوزه" را به یاد میدهد. چه بسا اتفاق می افتد، که درین وبسایت، در عین مقاله، کلمات با املاهای مختلف و متفاوت منتشر گردند. اگر خواننده کنجکاو و حقجوی و وارد و بانصافی، نشر عین مقالات را در پورتال "افغان جرمن آنلاین" و پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" باهم مقایسه کند، تفاوتهای جدی و شدید املائی را به چشم سر مشاهده خواهد کرد!!!

وقتی "افغان جرمن آنلاین" جمله «مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد» را بر فرق هر مقاله میچسباند، بدین معناست، که "افغان جرمن آنلاین" در نشر مقالات از "به مه چی گیری" محض کار میگیرد؛ عیناً به مانند "دوبی".

اگر پورتال "افغان جرمن" قدرت و ظرفیت تصحیح املائی و یکدست سازی املاء را ندارد، بهتر است، که دکان خود را به اصطلاح شیرین کابلی "تخته کند" و باعث رنج زبانهای عزیز پشتو و دری نگردد!!! و این هم سؤالی:

سؤال بسیار بزرگ و سترگ و عظیم، ولی حتمی این است، که چرا "افغان جرمن آنلاین" این جمله "دوبی وارو" را بر فرق نوشته خود مینگارد؟؟؟ این معما را چه قسم حل کنیم؟؟؟

در قسمت ششم بر نوشته های "قیس جان کبیر" و خانم "صالحه جان واهب اصل" مکتب خواهم کرد.

(ختم این قسمت)

